



اقتصاد آمریکا بدون روتوش

در ۳۰ سال اخیر سهم آمریکا از اقتصاد دنیا ۱۰ درصد کمتر شده است، چینی‌ها ۱/۵ برابر آمریکا صادرات دارند

« ثروت یک خانواده به اندازه ۱۳۰ میلیون آمریکایی است

برای درک بهتر شرایط زندگی طبقات اجتماعی در آمریکا در اینجا به بخش هایی از فصل هشتم کتاب «انقلاب ما، آینده‌ای که باید به آن اعتقاد داشت» نوشته برنارد (برنی) سندرز (Bernie Sanders) سیاستمدار و سناتور مشهور ایالات متحده اشاره می‌کنیم. وی در فصل هشتم ذیل عنوان «زوال طبقه متوسط در آمریکا» (صفحات ۲۱۹ تا ۲۲۹) درباره جامعه آمریکا این چنین نقل می‌کند: «امروزه در آمریکا، بیش از ۴۳ میلیون آمریکایی از جمله ۲۰ درصد از کودکان در فقر زندگی می‌کنند، برخی از آنها در فقر بسیار شدیدی به سر می‌برند. تقریباً ۲۸ میلیون آمریکایی از بیمه درمانی برخوردار نیستند و هزاران نفر از آنها هر ساله به واسطه اینکه به موقع به دکتر مراجعه نکرده‌اند، جان خود را از دست می‌دهند. میلیون‌ها جوان باهوش، توانایی مالی ندارند که به کالج بروند یا اگر بروند غرق در بدهی می‌شوند. میلیون‌ها سالمند و بسیاری از جانبازان معلول با وجود حقوق بازنشستگی ناچیزشان، برای زنده ماندن می‌جنگند. به‌رغم همه این بحران‌های اقتصادی و درد و اندوه‌ها، واقعیت دیگری هم وجود دارد. اینکه ثروتمندترین مردم و بزرگ‌ترین شرکت‌ها در این کشور بهترین بهره‌ها را می‌برند، در حالی که بیشتر آمریکایی‌ها به‌شدت از نظر مالی در تنگنا به سر می‌برند و درباره آینده‌شان عمیقاً وحشت‌زده‌اند، ثروتمندان کلان‌روزه‌روز ثروتمندتر می‌شوند و اکثریت درآمدهای جدید فقط به یک درصد از مردم تعلق دارد. ایالات متحده، ثروتمندترین کشور تاریخ جهان است، ولی واقعیت برای مردم این نیست، زیرا بیشتر ثروت برای تعداد اندکی از مردم این کشور است و توسط آنها کنترل می‌شود. امروز نابرابری درآمد و ثروت ما از هر کشور دیگر دنیا بیشتر است و فاصله طبقاتی از دهه‌های قبل تاکنون خیلی زیادتر از هر زمان دیگری است. به نظر من نابرابری ثروت و درآمد، یک وظیفه اخلاقی زمان ما، مساله بزرگ اقتصادی زمان ما و مساله مهم سیاسی زمان ماست. امروز، مفهوم «توزیع ثروت» دویستان جمهوری خواه، مرا به‌شدت عصبی می‌کند. واقعیت‌ا ما این است که توزیع مجدد ثروت وسیعی، در ۳۵ سال اخیر انجام شده است. متأسفانه، توزیع مجدد ثروت، در جهت اشتباهی انجام شده است، با تریلیون‌ها دلار که از جیب طبقه متوسط خارج می‌شود و در حساب‌های بانکی ۰/۱ از یک درصد مردم قرار می‌گیرد. در سال ۱۹۷۹، حدود یک درصد از ۰/۱ جمعیت کشور مالک هفت درصد از ثروت این کشور بوده‌اند، که امروز به ۲۲ درصد رسیده است.

تعداد میلیاردرها (Billionaire) در ایالات متحده در ۱۵ سال اخیر ۱۰ برابر افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۰ ایالات متحده ۵۱ میلیاردر داشت، با ۴۸۰ بیلیون دلار سرمایه خالص. امروز ایالات متحده با داشتن ۵۴۰ میلیاردر

« حجم صادرات چینی‌ها ۱/۵ برابر آمریکاست

طبق داده‌های وسایت نقشه‌تجاری (TRADEMAP) (سایت وابسته به آگتکاد و سازمان تجارت جهانی) در سال ۲۰۰۱ از مجموع ۶/۱ هزار میلیارد دلار صادرات جهان، حدود۷۲۹ میلیارد دلار آن معادل ۱۲ درصد کل صادرات جهان مربوط به کشور ایالات متحده آمریکا، ۵۷۱ میلیارد دلار یا ۹ درصد آن در اختیار آلمانی‌ها و ۲۶۶ میلیارد دلار یا چهار درصد آن در اختیار چینی‌ها بود، با این حال در سال ۲۰۱۸ از ۲۰۱۸ مجموع ۱۹/۲ هزار میلیارد دلار کل صادرات جهان، حدود۱۷/۷ هزار میلیارد دلار آن یعنی ۹ درصد در اختیار آمریکا، نزدیک به ۲/۵ هزار میلیارد دلار یا معادل ۱۳ درصد در اختیار چینی‌ها و ۱/۵ میلیارد دلار یا هشت درصد از کل صادرات جهان در اختیار آلمانی‌ها ست. به عبارتی دیگر طی ۱۷ سال اخیر درحالی حجم صادرات آمریکا دوبرابر شده که در همین مدت حجم صادرات چینی‌ها ۹ برابر و حجم صادرات آلمانی‌ها سه برابر شده است.

« نابرابری درآمدیک جولان می‌دهد

در سال ۲۰۱۸ آمریکا با داشتن سهم ۲۴ درصدی در اقتصاد جهان، گرچه بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است، با این حال برخلاف توسعه حجم تولید، این کشور جزء یکی از نابرابرترین کشورهای جهان توسعه یافته



مهدی عبداللّهی

روزنامه‌نگار

درحالی‌که در سال ۲۰۱۸ اقتصاد آمریکا با تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۲۰/۵ هزار میلیارد دلاری خود، سهم ۲۴ درصدی از یک اقتصاد جهان را داشته، نرخ بیکاری در این کشور به کمتر از ۴ درصد رسیده است. همچنین این کشور سرآمد ثروت، دانش‌وفناوری در جهان است، اما در همان سال ۲۰۱۸ بیش از ۳۸ میلیون آمریکایی زیر خط فقر قرار دارند که ۵۶ درصد از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. ضرب چینی آمریکا در بین ۱۶۳ کشور رتبه ۱۰ (بالا ترین نابرابری در بین کشورهای توسعه یافته) را دارد، بیش از ۲۸ میلیون نفر فاقد بیمه‌اند که حدود ۴ میلیون نفر از آنان کودکان ونوجوانان هستند. بر این اساس اقتصاد آمریکا برخلاف بزرگی مقیاس، در برقراری عدالت اجتماعی در ردیف کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته است. این نابرابری‌ها تا جایی ادامه دارد که گفته می‌شود فقط ثروت خانواده «التون‌ها» همان بنیانگذار و صاحب وال مارت بیشتر از ۱۳۰ میلیون آمریکایی است. در زمینه‌های شاخص‌های اقتصادی (از جمله صادرات و تولید ناخالص داخلی)، فناوری، ثروت و دانش نیز گرچه آمریکایی‌ها سهم بالایی در جهان دارند، اما بررسی روند تاریخی داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد چینی‌ها، آلمانی‌ها و در مرتبه بعدی هندی‌ها به سرعت در حال تعقیب آمریکا هستند و دیگر همانند دهه‌های قبل، جهان تک‌قطبی با حاکمیت بلامنارخ آمریکایی‌ها معنایی ندارد.

« کاهش ۱۰ درصد سهم آمریکا

از یک اقتصاد جهان

بر اساس داده‌های آماری بانک جهانی، در سال ۲۰۱۸ از مجموع نزدیک به ۸۶ هزار میلیارد دلار حجم تولید ناخالص ملی کشورها، ۲۰/۵ هزار میلیارد دلار یا معادل ۲۴ درصد آن در اختیار اقتصاد آمریکا ست. پس از آمریکا، چین با ۱۲/۶ هزار میلیارد دلار و سهم نزدیک به ۱۶ درصدی در رتبه دوم، ژاپن با تولید ناخالص داخلی نزدیک به پنج هزار میلیارد دلاری سهمی ۵/۷ درصدی و آلمان با چهار هزار میلیارد دلار سهمی ۲/۶ درصدی از اقتصاد جهان را در دست دارند. اما در این زمینه بررسی داده‌های تاریخی بانک جهانی نشان می‌دهد در سال ۱۹۸۵ از کل تولید ناخالص ۱۲/۷ هزار میلیاردی جهان،

تعداد افراد زیر خط فقر در آمریکا طی سال های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۸			
کل (میلیون نفر)	زنان (میلیون نفر)	مردان (میلیون نفر)	سال
۳۸٫۱	۲۱٫۴	۱۶٫۸	۲۰۱۸
۳۹٫۷	۲۲٫۳	۱۷٫۴	۲۰۱۷
۴۰٫۶	۲۲٫۹	۱۷٫۷	۲۰۱۶
۴۳٫۱	۲۴٫۱	۱۹٫۰	۲۰۱۵
۴۶٫۷	۲۵٫۹	۲۰٫۷	۲۰۱۴
۴۶٫۳	۲۶٫۰	۲۰٫۳	۲۰۱۳
۴۵٫۳	۲۵٫۸	۲۰٫۷	۲۰۱۲
۴۶٫۵	۲۵٫۷	۲۰٫۵	۲۰۱۱
۴۶٫۲	۲۵٫۵	۲۰٫۹	۲۰۱۰
۴۶٫۳	۲۴٫۱	۱۹٫۵	۲۰۰۹
۴۳٫۶	۲۳٫۱	۱۷٫۷	۲۰۰۸
۳۹٫۸	۲۱٫۰	۱۶٫۳	۲۰۰۷
۳۷٫۳	۲۰٫۵	۱۶٫۰	۲۰۰۶
۳۶٫۵	۲۱٫۰	۱۶٫۰	۲۰۰۵
۳۷٫۰	۲۰٫۶	۱۶٫۴	۲۰۰۴
۳۷٫۰	۲۰٫۱	۱۵٫۸	۲۰۰۳
۳۵٫۹	۱۹٫۴	۱۵٫۲	۲۰۰۲
۳۴٫۶	۱۸٫۶	۱۴٫۳	۲۰۰۱
۳۲٫۹	۱۸٫۰	۱۴٫۵	۲۰۰۰
۳۱٫۶	۱۸٫۷	۱۴٫۱	۱۹۹۹
۳۲٫۸	۱۹٫۸	۱۴٫۷	۱۹۹۸
۳۴٫۵	۲۰٫۴	۱۵٫۲	۱۹۹۷
۳۵٫۶	۲۰٫۹	۱۵٫۶	۱۹۹۶
۳۶٫۵	۲۰٫۷	۱۵٫۷	۱۹۹۵
۳۶٫۴	۲۱٫۷	۱۶٫۳	۱۹۹۴
۳۸٫۱	۲۲٫۴	۱۶٫۹	۱۹۹۳
۳۹٫۳	۲۱٫۸	۱۶٫۲	۱۹۹۲
۳۸٫۰	۲۰٫۶	۱۵٫۱	۱۹۹۱
۳۵٫۷	۱۹٫۴	۱۴٫۲	۱۹۹۰
۳۳٫۶	۱۸٫۲	۱۳٫۴	۱۹۸۹
۳۱٫۵	۱۸٫۱	۱۳٫۶	۱۹۸۸
۳۱٫۷	۱۸٫۴	۱۳٫۸	۱۹۸۷
۳۲٫۲	۱۸٫۶	۱۳٫۷	۱۹۸۶
۳۲٫۴	۱۸٫۹	۱۴٫۱	۱۹۸۵
۳۳٫۱	۱۹٫۲	۱۴٫۵	۱۹۸۴
۳۳٫۷	۲۰٫۰	۱۵٫۳	۱۹۸۳
۳۵٫۳	۱۹٫۶	۱۴٫۸	۱۹۸۲
۳۴٫۴	۱۸٫۵	۱۳٫۴	۱۹۸۱
۳۱٫۸	۱۷٫۱	۱۴٫۲	۱۹۸۰
۲۹٫۳	۱۵٫۲	۱۰٫۹	۱۹۷۹
منبع: اداره آمار آمریکا (United States Census Bureau)			

زیر خط فقر قرار داشته‌اند. به عبارت دیگر، در سال گذشته میلادی حدود ۱۱/۸ درصد از جمعیت آمریکا زیر خط فقر قرار داشته‌اند. در همین زمینه بررسی داده‌های تاریخی نیز نشان می‌دهد در سال ۱۹۷۹ از تعداد ۲۲۳ میلیون نفر جمعیت آمریکا، حدود ۲۶ میلیون نفر زیر خط فقر قرار داشتند. بنابراین طی ۴۰ سال اخیر ۱۲ میلیون نفر به تعداد افراد زیر خط فقر اضافه شده است.

« از هر ۱۰۰ سياه‌پوست ۲۰ نفر فقير هستند

همان طور که گفته شد، از جمعیت ۳۲۴ میلیونی آمریکا در سال ۲۰۱۸ حدود ۳۸ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند، اما توزیع فقر براساس نژاد و رنگ پوست نیز بسیار قابل تامل است، چرا که در بزرگ‌ترین اقتصاد جهان همه چیز کاملاً به نفع سفیدپوستان است، در حالی که نرخ فقر برای کل جمعیت آمریکا ۱۱/۸ درصد است تا ۱۸ درصد برای سفیدپوستان ۸/۱ درصد، برای سياه‌پوستان ۲۰/۸ درصد و برای لاتین تبارها ۱۷/۶ درصد است. بر این اساس از جمعیت نزدیک به ۴۳ میلیونی سياه‌پوستان این کشور در سال گذشته میلادی، ۸/۸ میلیـون نفر زیر خط فقر و از جمعیت نزدیک به ۶۰ میلیونی لاتین تبارها حدود ۱۰/۵ میلیـون نفر زیر خط فقر قرار دارند. به عبارت دیگر، از هر ۱۰۰ سياه‌پوست ۲۰ نفر و از ۱۰۰ نفر لاتین تبار حدود ۱۸ نفر فقیر هستند، این در حالی است که این میزان برای سفیدپوستان به ازای هر ۱۰۰ نفر حدود هشت نفر است. یعنی رنگین پوستان در آمریکا دوبرابر سفیدپوستان دچار فقر هستند.

« ۵۶ درصد از فقرای آمریکایی زنان هستند

یکی دیگر از موارد جالب توجه در توزیع درآمدها، سهم بالای زنان از افراد زیر خط فقر است. در این زمینه اگرچه طی سال‌های اخیر نرخ بیکاری زنان تا پایان سال ۲۰۱۸ به ۳/۸ درصد و نرخ بیکاری مردان به ۳/۹ درصد رسیده، اما براساس آمارهای اداره آمار آمریکا، در سال ۲۰۱۸ از جمعیت ۲۸ میلیون و ۱۴۶ هزار نفری افراد زیر خط فقر در این کشور، ۱۶/۷ میلیون نفر معادل ۴۴ درصد از افراد زیر خط فقر مردان و ۲۱/۳ میلیون نفر یا معادل ۵۶ درصد از کل افراد زیر خط فقر، زنان هستند. همچنین بررسی داده‌های تاریخی نشان می‌دهد در سال ۱۹۷۹ از جمعیت ۲۶ میلیون افراد زیر خط فقر این کشور، ۱۰/۸ میلیون نفر مرد و ۱۵/۲ میلیون نفر زن بوده‌اند. بر این اساس طی ۴۰ سال اخیر تعداد زنان و مردان فقیر هر کدام حدود ۶ میلیون نفر افزایش یافته است.

« ۵۵۲ هزار نفر آمریکایی بی خانمان هستند

براساس داده‌های آماری وزارت مسکن و توسعه شهری ایالات متحده آمریکا (United States Department of Housing and Urban Development)، در سال ۲۰۱۸ تعداد افرادی بی خانمان آمریکا ۵۵۲ هزار و ۸۳۰ نفر است که این میزان نسبت به تعداد ۵۵۰ هزار و ۹۹۶ نفر افرادی بی خانمان در سال ۲۰۱۷ حدود هزار و ۸۳۴ نفر افزایش نشان می‌دهد. بین افرادی بی خانمان، بیش از ۱۱۱ هزار نفر (۲۰ درصد از کل) افراد زیر ۱۸ سال بوده، ۴۸ هزار نفر (۸/۷ درصد) از افراد ۱۸ تا ۲۴ سال و نزدیک به ۳۹۳ هزار نفر نیز افراد بالای ۲۴ سال هستند. همچنین از لحاظ جنسیت، ۴۰ درصد بی خانمان‌ها زنان و ۶۰ درصد نیز مردان هستند. در این بین نکته جالب توجه این است که از کل افراد بی خانمان آمریکا، ۴۰ هزار نفر جزء کهنه سربازان و معلولان به جامانده از جنگ‌ها و تجاوزهای نظامی آمریکا در سراسر جهان هستند.

حجم صادرات و سهم آمریکا از صادرات در جهان طی سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸			
سهم (درصد)	آمریکا (میلیارد دلار)	جهان (میلیارد دلار)	سال
۱۲	۷۲۹	۶٫۱۲۷	۲۰۰۱
۱۱	۶۹۳	۶٫۴۴۴	۲۰۰۲
۱۰	۷۲۵	۷٫۴۸۶	۲۰۰۳
۹	۸۱۵	۹٫۱۰۰	۲۰۰۴
۹	۹۰۱	۱۰٫۳۴۱	۲۰۰۵
۹	۱۰۳۷	۱۱٫۹۵۶	۲۰۰۶
۸	۱٫۱۶۳	۱۳٫۸۳۲	۲۰۰۷
۸	۱٫۳۰۰	۱۵٫۹۷۰	۲۰۰۸
۹	۱٫۰۵۷	۱۲٫۳۴۷	۲۰۰۹
۸	۱٫۲۷۸	۱۵٫۰۹۶	۲۰۱۰
۸	۱٫۴۸۲	۱۸٫۱۰۴	۲۰۱۱
۸	۱٫۵۴۲	۱۸٫۳۹۶	۲۰۱۲
۸	۱٫۵۷۸	۱۸٫۸۸۲	۲۰۱۳
۹	۱٫۶۲۰	۱۸٫۸۷۹	۲۰۱۴
۹	۱٫۵۰۲	۱۶٫۴۰۰	۲۰۱۵
۹	۱٫۴۵۱	۱۵٫۸۸۲	۲۰۱۶
۹	۱٫۵۶۶	۱۷٫۵۵۱	۲۰۱۷
۹	۱٫۶۶۶	۱۹٫۲۸۵	۲۰۱۸

با سرمایه خالص ۲/۴ تریلیون دلار، رکورددار است. در کشور ما هنگامی که ۰/۱ از یک درصد از مردم ثروت تقریباً ۹۰ درصد بقیه مردم را در اختیار دارد، یک جایی عیب دارد. یک جای کار عمیقاً مشکل دارد که ۲۰ نفر از ثروتمندترین آمریکایی‌ها ثروت بیشتری از ۱۵۰ میلیون نفر دیگر - تقریباً نیمی از کل جمعیت‌مان- را در اختیار خود دارند. یک جای کار عمیقاً عیب دارد، هنگامی که خانواده والتون‌ها- که بنیانگذار و صاحب وال مارت هستند- ثروت‌شان بیشتر از ۱۳۰ میلیون آمریکایی دیگر است. این فقط یک سطح عجیب و غریب از اختلاف ثروت نیست که ما تجربه می‌کنیم، یک نابرابری وحشتناک درآمد، از مبلغی که سالیانه کسب می‌کنیم است. در چند سال اخیر، به‌طور شگفت‌انگیزی، ۵۲ درصد از تمامی درآمد کشور به یک درصد تعلق دارد. در بسیاری از خانواده‌ها، مادر کار می‌کند، پدر کار می‌کند و کودکان نیز کار می‌کنند؛ همه مبارزه می‌کنند تا مخارج‌شان تأمین شود. در حالی که بیش از نیمی از تمامی درآمد جدید، به مردمی که آن‌ا را قرار دارند می‌رسد.

زمانی که کودک بودیم، خوانده بودیم که در جمهوری بانانا در آمریکای لاتین و سایر جوامع الیگارش‌ی دیگر که در کشورهای سراسر جهان وجود داشتند، تعداد انگشت‌شماری از خانواده‌ها صاحب بیشترین ثروت و قدرت بودند. مردم آمریکا! نگاه‌ی به دور و بر خود بیندازید. ببینید امروز در کشورمان چه می‌گذرد. این سطح زشت نابرابری، غیر اخلاقی است. حداقل دستمزد باید کفاف زندگی را بدهد در ثروتمندترین کشور تاریخ جهان، اصل اولیه اقتصاد آمریکا باید این باشد که با ۴۰ ساعت کار در هفته یا بیش از آن، هیچ کس نباید در فقر زندگی کند.

متأسفانه، این از آنچه امروزه رخ می‌دهد بسیار دور است.

میلیون‌ها آمریکایی با دستمزد نا کافی کار می‌کنند. حداقل دستمزد بنابر قانون فدرال ساعتی ۷/۲۵ دلار است که دستمزد ناچیزی است. باید افزایش پیدا کند. حداقل دستمزد باید دستمزدی باشد که کفاف زندگی را بدهد؛ به این معنا که باید آن را تا سال ۲۰۲۰ به ساعتی ۱۵ دلار افزایش داد و در آینده به نرخ روز رساند. نباید اجازه دهیم که کارفرمایان بتوانند به کارگران -مانند پیشخدمت‌ها، مسئولان بار، آرایشگاه‌ها، رانندگان تاکسی، کارواش‌ها و کارکنان پارکینگ‌ها- حقوق شرم‌آور ساعتی ۲/۱۳ دلار را بدهند که حکم انعام را دارد. ۹ سال از زمانی که کنگره این قانون را وضع کرد که حداقل دستمزد را افزایش دهد، گذشته است. از سال ۱۹۶۸ حداقل دستمزد همواره ۳۰ درصد از قدرت خرید خود را به خاطر تورم از دست داده است.»

است، به‌طوری‌که بر اساس داده‌های بانک جهانی در سال ۲۰۱۷، ضرب چینی که شاخص سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک کشور و میزان آن بین صفر (برابری کامل در توزیع درآمد‌ها) و یک (حاکم‌ی از نابرابری کامل در توزیع درآمد‌ها) متغیر است، در این کشور معادل ۰/۳۹۰ است. بر این اساس، اقتصاد آمریکا برخلاف بزرگ مقیاس خود، بسیار بی‌رحم و ناعادلانه اداره می‌شود. این موضوع زمانی قابل باورتر می‌شود که شاخص ضرب چینی این کشور را با دیگر کشورهای توسعه یافته مقایسه کنیم. در این زمینه داده‌های آماری سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نشان می‌دهد ضرب چینی ۰/۳۹۰ آمریکا درحالی است که در همین سال شاخص ضرب چینی در اسلوواکی حدود ۰/۲۴۱ و در اسلونیوی ۰/۲۴۴، در جمهوری چک حدود ۰/۲۵۳، در ایسلند حدود ۰/۲۵۵، در دانمارک حدود ۰/۲۶۱، در نروژ حدود ۰/۲۶۲ و در فنلاند حدود ۰/۲۶۶ است. بر این اساس در بین ۳۹ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نیز پس از کشورهای آفریقای جنوبی، کاستاریکا، شیلی، مکزیک و ترکیه، آمریکا بالاترین میزان شاخص ضرب چینی یا نابرابری درآمدی را دارد. همچنین بررسی داده‌های تاریخی نیز نشان می‌دهد در ۴۰ سال اخیر برخلاف روند کاهش نابرابری‌های اقتصادی در

« ۱۴ درصد کودکان و نوجوانان آمریکایی بیمه ندارند

بر اساس آمارهای اداره آمار آمریکا در سال ۲۰۱۷ از جمعیت ۲۲۳ میلیون نفری آمریکا، ۲۹۵ میلیون نفر (۹۱/۲ درصد) دارای پوشش بیمه بوده و ۲/۵ میلیون نفر (۸/۸ درصد از کل جمعیت) فاقد هر نوع پوشش بیمه‌های حمایتی هستند. همچنین از جمعیت ۲۸/۵ میلیون نفری فاقد بیمه، سه میلیون و ۹۳۰ هزار نفر زیر ۱۸ سال، ۲۳ میلیون و ۹۳۳ هزار نفر بین ۱۸-۶۴ سال و ۶۷۸ هزار نفر نیز افراد بالای ۶۵ سال را تشکیل می‌دهند. بر این اساس از جمله نکات جالب توجه در سیستم درمانی آمریکا، سهم ۱۴ درصدی کودکان و نوجوان در بین افراد فاقد بیمه است.

« سیاهان نصف سفیدها درآمد دارند

از دیگر موارد نابرابری درآمدی در آمریکا، تفاوت درآمدهای بین نژادی است، به‌طوری‌که بررسی‌ها نشان می‌دهد درآمد سفیدپوستان تقریباً نزدیک به دوبرابر سياه‌پوستان است. در این زمینه براساس آمارهای اداره آمار آمریکا (United States Census Bureau)، طی سال ۲۰۱۸ در حالی میانگین درآمد سالانه برای یک خانواده چهار نفره حدود ۶۳ هزار و ۱۷۹ دلار بوده که این میزان برای نژاد سفید حدود ۸۱ هزار و ۳۳۱ دلار، برای لاتین تبارها ۵۰ هزار و ۴۸۶ دلار و برای سیاهان ۴۰ هزار و ۲۵۸ دلار بوده است.

« ۳۸ میلیون آمریکایی زیر خط فقر هستند

بر این اساس، طی سال گذشته میلادی خانوارهای آمریکایی با درآمد سالانه پایین‌تر از ۲۵ هزار و ۴۷۰ دلار فقیر محسوب می‌شوند. داده‌های این مرکز آماری نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۸ از جمعیت نزدیک به ۲۲۴ میلیونی این کشور، ۳۸ میلیون و ۱۴۶ هزار نفر